

آیا رفتار طالبان با زنان مطابق نص صریح قرآن و احادیث پیامبر اسلام نیست؟

از سخنان مولوی ندا محمد ندیم تاریخ 25 دسمبر 2022 وزیر تحصیلات عالی طالبان

این شبیهه ها در دل بعضی ها پیدا شده است که چرا امارت اسلامی چنین می کند: مدارس را باز نمی کند، اجازه تحصیل مختلط را برای زنان نمی دهد، محدودیت حجاب ایجاد کرده است، زنان را در ادارات دولتی راه نمی دهد... چرا زنان را به وزارتخانه ها راه نمی دهد مگر اینکه حجاب را بپوشانند؟ و چرا منافع ملی را نمی بینید؟ پاسخ این است که ما همه مسلمان هستیم. برای ما دین خدا مهمترین چیز است. اگر امارت اسلامی هدف واقعی خود را توسعه و تمدن مردم می دانست، دیگر نیازی به آغاز جنگ نبود. ما می توانستیم اسامه [بن لادن] را به آنها بسپاریم و به زنان آزادی بدهیم، همانطور که اکنون می خواهند. سیستم [دولتی] قبلاً آنجا بود - چرا باید صدها هزار شهید [قربانی] می شد؟

[اما] دین خدا به ما اجازه نمی دهد آنچه را که کفار می خواهند بپذیریم. حجاب به دستور کتاب خداست. «ای پیامبر به زنان و [دخترانت و زنان مؤمن بگو که خود را حجاب کنند». این دستور کتاب الله است

اکنون کفار از ما می خواهند که حجاب را برای زنان اجباری ندانیم و این را بپذیریم، خواسته های آنها را بپذیریم، کتاب خدا می گوید حجاب را رعایت کنید، در حالی که کفار می گویند [این کار را نکنید]. ما مکلف هستیم. ما مسلمانیم و مدعی نظام اسلامی هستیم و موظفیم زنان را مجبور به حجاب کنیم. اگر ما را تحریم کنند، بمب اتمی بر سرمان بیاندازند، دوباره علیه ما جنگ کنند یا نقشه دیگری داشته باشند، باز هم مجبور به اجرای احکام دین خود هستیم. در این زمینه نمی توانیم به کسی کمک کنیم. ما نمی توانیم خواسته های کسی را بپذیریم یا نگران باشیم که مشکلی برای ما ایجاد کند

این است سخنان روشن و بی پرده یک مسلمان پیروی قرآن و حدیث پیامبر.

طالبان پس از اینکه قدرت را به دست گرفتند، همان گونه که وعده کرده بودند احکام دین اسلام را مطابق نص صریح قرآن و حدیث و همانگونه که هست، تطبیق می کنند. خوبی طالبان درین است که آنان مردمان ساده و باورمند به دین خویش اند و این دین را میکوشند مو به مو تطبیق کنند. اما باز هم میدانند که صد در صد تطبیق آن ناممکن است. بدبختی طالبان درین است که احکام این دین نمی تواند مشکلات امروزین جامعه را حل کند چون با منطق، عقل و دانش بشر سازگار نیست. تمام تلاش آنان تنها رخ واقعی احکام اسلام را نمایان می کند. اما گروه دیگری برعکس پنهانکاری می کنند و به روی آیه های قرآن ماله می شکند و معنای واقعی را تغییر میدهند. آنان می گویند که طالبان اسلامی عمل نمی کنند

طالبان تا کنون فرمان های زیادی بر محدودیت زنان در زندگی اجتماعی صادر کرده بودند ولی فرمان منع تحصیل دانشجویان زن را در دانشگاه های کشور و منع کار زنان در تمام سازمان های دولتی و غیردولتی را می توان نقطه اوج آن دانست که صدای اعتراض را بر همه جا بلند کرد

البته این عمل غیر انسانی و مخالف حقوق بشر طالبان در تمام جهان محکوم شد، نه تنها کشور های غربی و سازمان های بین المللی کنشگر در بخش حقوق بشر این عمل را محکوم کرده اند بلکه کشور

های اسلامی، عالمان و آخوندهای این کشور نیز این عمل را سرزنش کرده اند

بگونه مثال وزارت خارجه عربستان سعودی تصمیم طالبان را بر محرومیت زنان از حضور در دانشگاه تعجب آور خواند. ترکیه این ممنوعیت را «نه اسلامی و نه انسانی» خواند و ایران هم آن را رد کرده است، و احمد الطیب، شیخ الازهر مصر اقدام طالبان را در تضاد با شریعت اسلامی خوانده است

باید گفت امروز جهان ما، جهان 1400 سال پیش، یعنی زمان پیامبر نیست، جهان درین مدت چهارده قرن تغییر کرده است. حتا کشورهای که از بنیادگرایان جهان اسلام حساب می‌شوند مانند عربستان و ایران مجبور هستند، از احکام دین اسلام به شکلی سرپیچی کنند و علمای اسلامی مانند شیخ الازهر که جهان را به گونه دیگر می‌بینند، مجبور است بر احکام دین خویش ماله کشی کنند زیرا که این احکام در زمان ما قابل تطبیق نیستند و بدنامی در پی دارد. اما طالبان بی آلیشانه و واضح بیان می‌کنند که ما احکام دین الله را تطبیق می‌کنیم و از کسی هم هراس نداریم

در دین اسلام، اگر صادقانه بگوییم مقام و جایمان زنان و حقوق زنان پایین‌تر از مردان هست. من در این نوشته با اتکا بر منابع دست اول اسلامی که اساس، پایه و منبع حقوق اسلامی را می‌سازد، نشان خواهم داد که تمام کسانی که می‌گویند طالبان مطابق احکام اسلام عمل نمی‌کنند، بر احکام اسلامی ماله کشی می‌کنند و واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند. آنان خود می‌دانند که منابع اصلی اسلامی همان اند که طالبان آن را تطبیق می‌کنند. آنا از سوی دیگر نیز میدانند که تطبیق احکام قرآن و سنت پیامبر در زندگی امروزیین اشتباه، ناروا و ناجا است. ولی برای حفظ جایگاه دینی خویش ادعا می‌کنند که طالبان مطابق احکام اسلامی عمل نمی‌کنند. از سوی دیگر طالبان نیز می‌گویند که نشان بدهید که کدام حکم ما اسلامی نیست

مسلمانان پذیرفته اند که آنچه در قرآن است صحیح است و حدیث پیامبر هم تکمیل کننده قرآن است. این دو منبع هدایت گر مسلمانان است. پس باید دید که این منابع اسلامی درباره زنان چه نوشته اند. نباید از یاد برد که هم آیات قرآن و هم حدیث، ساخته و پرداخته مردمانی اند که بیش از 1400 سال قبل در یک مکان نیمه صحرايي و دور از تمدن آن زمان می‌زیستند. از همین رو، یک خواننده بیطرف و خردورز درین منابع آثار و نشانه‌های زندگی مردم آن زمان را به آسانی می‌بیند و درک می‌کند که این نوشته ها برای زمان ما مناسب نیست

البته در تمام کشور ها و در تمام مکان ها، دین ها و آیین‌های مختلف نیز میان مردمان وجود دارد. مردمان متدین نیز همه جا زندگی می‌کنند. اگر مردمان از احکام دین ها و آیین‌های خود استفاده می‌کنند، تنها در زندگی خصوصی خود استفاده می‌کنند نه در امور اجتماعی، دولرداری و حکومتداری یا کشتار و قتل دیگران. مشکل اساسی این است که مسلمانان معتقد اند که احکام اسلامی دایمی اند و برای تمام زمان ها و مکان ها قابل تطبیق اند. این امر متأسفانه در قرآن نیز بیان شده است. اما اگر باور دارید که باید احکام اسلامی را در عمل تطبیق کنید، پس باید حکومت های طالبی، داعشی و غیره را با پسوندهای اسلامی هم قبول کنید. در غیر آن باید راه و چاره حکومت غیر دینی جست

همانگونه که ازین نوشته درک می کنید من همسو با کسانی که دین را حلال مشکلات می دانند و مداخله دین را در امور اجتماعی جایز می دانند، نیستم

پاره از آیه های که می گویند آیات قرآن هر چیز را بیان می کنند و دایمی اند

آیه 50 سوره قمر

وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

ترجمه: و فرمان ما جز یک بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی

مطابق این آیه فرمان خدا تغییر ناپذیر است و یکبار گفته می شود و برای همیشه است. یعنی فرمان های را که او چهارده قرن پیش برای مردم عربستان گفته است، هنوز هم همان فرمان ها برای مردمان و در هر جا و بعد ازین هم همان فرمان ها خواهد بود

آیه 27 سوره کهف

وَ اِنَّلِ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا 27

ترجمه: و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان. کلمات او را تغییردهنده ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت

این آیه نیز بیان می کند که آنچه که وحی شده است، تغییر نمی کند. در حالیکه ما آیه های فراوانی در قرآن داریم که آیه های قبلی خود را منسوخ می کنند که یک بحث دیگری است. آیات ناسخ و منسوخ تناقض آشکار به این کلام الله است

آیه 89 سوره نحل

وَ يَوْمَ نُنْعَثُ فِي كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلٰى هٰؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلٰىكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرٰى لِّلْمُسْلِمِيْنَ 89

ترجمه: و روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم، و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم، و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم. طبری در تفسیرش نیز نوشته است که پیامبر گفته است که بر من قرآن نازل شد که در آن بیان همه چیز است

این آیه بیان می کند که قرآن هرچیز را روشن بیان کرده است.

آیه 38 سوره انعام

مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ

ترجمه: ما در کتاب خود از بیان چیزی فروگذار نکرده‌ایم

باز هم می‌گوید قرآن هر چیز را روشن بیان کرده است و از بیان هیچ چیزی فروگذار نکرده ایم. همه چیز در قرآن هست

آیه 59 سوره انعام

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ 59

ترجمه

و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی‌داند، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن است

این باور و ایمان که هر چیز در قرآن است و پاسخ همه نیازهای بشر در قرآن هست هیچ اساس علمی و منطقی ندارد. قرآن یک کتاب بسیار بی‌نظم است و بسیاری از نام‌ها، عبارات‌ها و جمله‌ها بارها تکرار شده است که حجم آن را کلان کرده است

از سوی دیگر چنین حکمی که همه چیز در قرآن هست، آزادی جستجو و عمل را از مسلمانان می‌گیرد و باعث می‌شود که مسلمانان از دانش بشری در باره حل مشکلات زندگی خویش، در امور حکومت و اموری دیگر شان محروم شوند. مسلمانان بجای اینکه برای حل مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره به کتاب‌های علمی مراجعه کنند به کتب دینی قدیمی که قرن‌ها پیش نوشته شده‌اند مراجعه می‌کنند. این کار آزادی عقلی و عملی را از انسان می‌رباید و رکود و سکون فکری را در پی دارد. ولی اگر به جای ایمان، از عقل و خرد، از دانش، منطق و اخلاق انسانی استفاده کنی، می‌فهمیم که این سخنان بی‌اساس‌اند زیرا همه چیز در قرآن نیست

از سوی دیگر اگر سخنی یا کلامی به دانش، عقل منطق‌نا سازگار باشد آن را نمی‌تواند کلام آفریدگار دانست. زیرا همان آفریدگار که ما را آفریده برای ما عقل و هوش و دانش و منطق هم داده است تا نیک و بد خیر و شر را فرق کنیم

اگر قرآن کلام آفریدگار می‌بود ما با تطبیق کلام او اینقدر مشکلات اجتماعی و اقتصادی نمی‌داشتیم. نه تنها قرآن بلکه هیچ یک از کتاب‌های که کلام الهی نام گرفته‌اند، نه کلام خدا اند و نه هم مقدس. تمام آنچه که درین کتاب‌ها نوشته شده‌اند، یا ساخته و پرداخته آدم‌های اند که در آن زمان می‌زیسته‌اند، و یا افسانه‌های اند که سال‌ها قبل از آن بوده‌اند. البته انسان جایز الخطاست، سخن انسان می‌تواند خطا و ناردست باشد. انسان می‌تواند مرتکب خطا شود. اما پروردگار که بارها از دانایی و توانایی خود سخن گفته است نباید در گفتارش خطا کند

ماله‌کشان دینی برای اینکه خطا بودن این نوشته‌ها را درست کنند، دست به تفسیر و تاویل آیه‌ها می‌زنند

آیا لازم است از احکام دین برای تنظیم امور اجتماعی و دولتی استفاده کنیم؟ می‌گوییم نه. دین باید کار خصوصی و شخصی باشد. اگر کسی سنگی را می‌پرستد یا گاوی را مربوط خودش می‌شود. اگر

الله را می پرستد، یا خدای بوزینگان را، یا هیچ خدایی را نمی پرستد، مربوط خودش می شود. این امر باید مسأله خصوصی باشد. هیچکسی به گناه دیگری مجازات نخواهد شد

البته وقتی که دین میخواید حکومت کند، جنگ و جهاد و جنایت ادامه اش است، زدن و بریدن و دریدن و کشتن دوام می یابد. حتا کسانی که این دین را میخوانند تطبیق کنند میان خویش توافق ندارند. می بینیم که عده بی جهادگر اسلامی حتا امارت اسلامی طالبانی را صد در صد اسلامی نمی دانند و گاهگاه در شهر های کشور عملیاتی خودکفانی یا انتحاری انجام می دهند و یا اینکه عده بی در کوه های هندوکش نعره الله اکبر سر داده اند و اسلامی دیگری که نمی دانیم چه است میخوانند

هر بنیادگرا به نام خدا جهاد می کند. درین میان مردم افغانستان که قربانی اصلی ماجرا اند نمی دانند چه کنند؟ کدام عمل، اسلام واقعی است و چه را قبول کنند و چه را نکنند؟ باید گفت که بسیاری مردم نمی دانند که آنچه طالبان انجام میدهند خشونت آمیز تر و غیر اخلاقی تر از احکام اسلام راستین نیست بلکه کمتر از آن است. زیرا اگر اسلام واقعی را تطبیق کنی برای انسان ها یارای زندگی در آن جامعه نیست. اگر باور نمی کنید قرآن و کتاب های اولیه اسلامی را بخوانید

ذکری از پیاره از احکام اسلام درباره زنان

مطابق احکام اسلامی زن و مرد باهم برابر نیستند. اندیشه برابری زن و مرد اندیشه نو است. امروز زنان برابری حقوق می خواهند، زنان حق تحصیل و حق کار می خواهند، زنان می خواهند که دوشادوش مردان کار کنند و زنان نمی خواهند حجاب اجباری داشته باشند

از آن جای که ماله کشان دینی از نبود برابری انسان ها در دین رنج می برند و هم فکر می کنند که خوب می بود چنین آیه در قرآن وجود میداشت، تلاش می کنند با تاویل و تفسیر این نقیصه را برکنار کنند. اما طالبان کرام رُک و روشن می گویند که این احکام دین ماست و ما آن را تطبیق می کنیم

درباره طلب علم یا دانش آموزی، باید گفت که در آن وقت علوم تجربه وجود نداشت و اسلام نیز طلب علم را در علوم دینی خلاصه می کند. الله و رسولش آگاه نبودند که روزی علمی پیدا خواهد شد که علوم دینی را باطل کند. ازین رو، در اسلام آموزش علم دین فرض است. چون جلو دانش و دانش آموزی غیر دینی را نمی توان گرفت، مجبورند بگویند که علوم تجربی و دنیایی مطابق اسلام مباح است

از سوی دیگر حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم)، در اصل می گوید که دانش آموختن بر مرد مسلمان فرض است، زیرا به زبان عربی کلمه (مسلم) به معنای مرد مسلمان است و برای زن مسلمان کلمه (مسلمه) استفاده می شود. البته پسان ها عده برای اینکه این نقیصه را برطرف کنند، کلمه مسلمه را هم به آخر حدیث افزوده اند

ما به این عقیده ایم که انسان ها بر اساس وجدان جمعی بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است، بدون در نظر داشت جنسیت حقوق برابر دارند

مطابق اعلامیه حقوق بشر تمام انسانها آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر همه انسانها بی هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، دارایی، تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های مطرح در اعلامیه حقوق بشر اند. هر مرد و زن بالغی حق دارند بی هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند. ازدواج حتما باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد صورت گیرد. خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود

حالا ببینیم که احکام دست اول اسلامی درباره زن چه می گویند

آیه 34 سوره نسا

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْتِكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا 34

مردان ، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند. پس ، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده ، اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است

خدا درین آیه مردان را سرپرست زنان می داند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است، و دلیل دیگر آنکه مردان از اموال شان به زنان خرج می کنند. پس، زنان باید درستکار، فرمانبردار باشند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، اسرار شوهران شان را حفظ می کنند

طبیعی است وقتی زنان را حجاب به تن کردی و از بیرون رفتن بدون محرم منع کردی، از تحصیل کردن و کار کردن منع کردی، آنان منبع درآمد ندارند و وسیله دست مردان می شوند. یگانه چیزی که می ماند آن است که مردان سرپرست شان شوند، آنان خود را به خدمت مرد قرار دهند و از آزادی دم نزنند و باید هم وفادار، درستکار، فرمانبردار بمانند

این آیه حتما بیان می کند که زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، می توانید بزنید. واژه بیم داشتن به این معناست که نه اینکه در عمل و واقعا نافرمانی می کنند بلکه اگر شما بیم دارید که نافرمانی کنند، یا فکر می کنید که نافرمانی می کنند، نخست پند شان دهید و بعد از آن اگر اصلاح نشدند، در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و اگر آن هم تاثیر نکرد آنان را بزنید ولی بعد از این تدابیر اگر شما را اطاعت کردند، دیگر بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید ، که خدا والای بزرگ است

درین آیه مقام زن در زندگی زناشوی واضح و آشکار است. اما شوهر زن حق دارد اگر بخواهد بدون اجازه زن خود، سه زن دیگر که در مجموع چارزن می شود، در عقد نکاح خود داشته باشد. از آن جای که در اسلام داشتن غلام و کنیز رواست و یک مرد می تواند با کنیز های خود بدون هیچ ممانعتی همبستر شود، این تعداد بیشتر هم خواهد شد. بعد از مرگ وضعیت زنان مسلمان ازین هم بدتر است زیرا که هفتادودو حور پری رو، زیبا و باکره به مردان مسلمان هدیه می شود

در اسلام ارزش پسر و دختر هم متفاوت است. خدا در آیه های 21 و 22 (لَكُمْ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنثَى. تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزِي) سوره نجم بر قریشی ها خرده می گیرند که چگونه است که برای شما پسر است و برای او یعنی خدا دختر؟ در این صورت ، این تقسیم نادرستی است. یعنی چیزی برتر که پسر است از شما باشد و آنچه کهتر است از آن خدا باشد. درین آیه دیده می شود که پیش خدا زنان موجودی پایین تر از مردانند زیرا مردان را سرپرست زنان قرار داده است و دختران مقام شان مثل پسران نیست

آیه 282 سوره بقره

این آیه درباره گواهی دادن است که ارزش گواهی زن را به اندازه نیم از گواهی مرد تعیین کرده است: وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ

ترجمه

و از مردان خود دو شاهد بیاورید و اگر دو مرد نباشند یک مرد و دو زن

اما گواهی دادن دو زن در برابر یک مرد بر همه امور صدق نمی کند یعنی در حالت دیدن هلال ماه یا طلاق گواهی زن پذیرفتنی نمی باشد. این امر که زن نیم از مرد است در مورد ارث فرزندان نیز صدق می کند زیرا پسران دو چند دختران ارث می گیرند

مطابق آیه 11 يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ

ترجمه: حکم خدا در پاره فرزندان این است که پسران دو برابر دختران ارث می برند

درینجا نیز الله حق دختر را به اندازه نیم حق پسر تعیین کرده است. حتا تبعیض را در برابر فرزندان انسان روا داشته است که هیچ پایه عقلی و منطقی در آن نمی توان یافت

آیه 31 سوره نور به زنان مؤمن خطاب کرده می گوید

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ ثُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ 31

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که از آن پیدااست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا

پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید

وقتی این آیه را میخوانی فکر می‌کنی که لاجرم زنان عربستان در آن زمان اخلاق نیک نداشتند و هرچه که درین آیه منع شده است انجام میدادند که نیاز بوده است تا خدا این آیه را برای‌شان فرفرستد. البته این آیه دربارهٔ حجاب اجباری است و همان چیزی است که زنان در یک کشور اسلامی میخواهند یا نمی خواهند باید انجام دهند

آیه 59 سوره احزاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً

ای پیامبر ، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است ، و خدا آمرزنده مهربان است.

این آیه و هم چنان آیه 31 سوره نور را مولوی ندا محمد ندیم نیز در بالا بیان می کند. از روایات اسلامی فهمیده می شود که این آیات به خواست یا توصیه حضرت عمر نازل شده است

از حضرت عمر نقل شده است که، من گفتم، ای رسول الله، یکاش به زنان خود دستور بدهی که خودشان را در مقابل مردان بپوشانند، زیرا مردان خوب و بد با آنها صحبت میکنند. بنابر این آیه حجاب نازل شد که دستور میدهد زنان چادر سر کنند. صحیح بخاری جلد اول کتاب 8 ام شماره

395

آیه 223 سوره بقره

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ 223

زنان شما کشتزار شما هستند. پس ، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید ، و برای شخص خودتان [در بهره مندی از آنها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او .. را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده

بباید فکر کنید که این گفته را الله نمی گفت، کسی از ما انسانها می گفت، یعنی می‌گفت ای مردم زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا و هر گونه که خواهید به کشتزار خود در آید. اولین واکنش شما شاید این می‌بود که این مسأله شخصی است نیازی به توصیه کس نیست. شاید هم می‌گفتید

آیا نمی‌شد به جای کلمه کشتزار کلمه همسر، همراز، شریک زندگی و غیره به کار برد؟ یعنی اینکه زنان شما همسر، همراز، و شریک زندگی شما نیستند. از سوی دیگر تمایل زن درین موضوع که واقعاً یک موضوع سکسی است، اهمیت دارد یا ندارد؟ آیا زن نیز مانند مرد یک انسان است و احساس و تمایل دارد یا ندارد؟ شاید زن نخواهد به کشتزار قسمی که مرد می‌خواهد درآید

البته مخاطب آیه مردان است و به مردان می‌گوید که زنان شما کشتزار شما هستند. اما اگر حدیث زیر را به آن بیافزاییم واضح می‌شود که تمایل زن در موضوع اهمیت ندارد. حدیث: زنی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حقوق شوهر پرسید: آن حضرت فرمود: «بر زن است که خود را از شوهرش باز ندارد و بگذارد تا وی از او کام بگیرد حتی اگر بر روی کوهان شتر باشد

(وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسُهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَي ظَهْر قَتَبٍ)»، (الكافي، ج 5، ص 507)

آیه 33 سوره احزاب درباره زنان پیامبر که الگوی برای زنان جهان است می‌گوید

وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً 33

و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند

در سوره بقره آیه 228 در باره طلاق زنان

وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ
يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُعَوِّلُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ
بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

ترجمه

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زنانشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند در صورتی که (برآستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است

در بخش اخیر آیه می‌گوید که شوهرانشان این حق را دارند که اگر خواستار آشتی باشند، آنها را در این امر بازگردانند و مردان بر آنان یعنی بر زنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است. در باره بازگشت به زنان تنها مردان این حق را دارند چون مردان را بر زنان برتری است. اگر زنان بخواهند برگردند و مردان نخواهند چه می‌شود. این آیه به زن این حق را نمی‌دهد

بر خلاف سخنان دکانداران دینی که گویا اسلام برابری و برادری را میان افراد بشر تأمین میکند، آیات بالا نشان می‌دهد که الله نه تنها انسان‌ها را با هم برابر نمی‌داند بلکه تبعیض و تفاوت را میان انسان‌های مسلمان نیز برقرار می‌کند

زنان ناقص دین و ناقص عقل اند

از سوی دیگر از پیامبر خدا نقل شده است که عقل و دین زن ناقص است و همچنان اکثر اهل دوزخ زنانند. قال النبي أریت النار فإذا اکثر أهلها النساء (صحیح بخاری، ص 1 ج 19) یعنی پیامبر گفت من می‌بینم که اکثر اهل دوزخ زنانند

روایت است که یکبار پیامبر به نمازگاه میرفت که نماز عید فطر را بخواند، او از کنار زنی رد شد و گفت: ای زنان! صدقه بدهید، چرا که من دیده‌ام اکثر کسانی که دچار آتش جهنم هستند از شما (زنان) بودند. آنها (زنان) گفتند ای رسول الله چرا چنین است؟

او گفت: شما دانا لعنت می‌فرستید و نسبت به شوهرانتان ناسپاس هستید. من هیچ کسی که به اندازه شما در عقل و دین نقص داشته باشد ندیده‌ام. یک مرد هوشیار و معقول نیز ممکن است توسط شماها منحرف شو

زنان از او پرسیدند: ای رسول الله، چه نقصانی در عقل و دین ما وجود دارد؟

او گفت: آیا همین که دو شاهد زن برابر یک شاهد مرد هستند کافی نیست؟

زنان پاسخ مثبت دادند. این دلیل نقصان عقل آنها است

او گفت: آیا این درست نیست که زنان در دوران حیض خود نمیتوانند نماز بخوانند نه میتوانند روزه بگیرند؟ زنان پاسخ مثبت دادند. او گفت: این نیز نقصان آنها در دین شان است

صحیح بخاری پوشینه 1، کتاب 6، شماره 301

بر اساس حدیث دیگر، پیامبر خدا گفته است که زیانبارترین فتنه برای مردان، زنان هستند. درباره مقام زن رسول الله در جای دیگر می‌گوید که «بسیاری از مردان به مرحله کمال رسیدند، اما هیچ زنی به مرحله کمال نرسید، به غیر از آسیه زن فرعون و مریم دختر عمران». (صحیح بخاری پوشینه 4، کتاب 55، شماره 623)

همچنان پیامبر گفته است: بعد از خود، هیچ رنجی خطرناکتر از زنان برای مردان باقی نگذاشتم. صحیح بخاری پوشینه 7، کتاب 62، شماره 33

وقتی پیامبر شنید که مردم ایران دختر خسرو را شاهبانوی خود تعیین کرده اند، گفت «کشوری که (زنی را حاکم بر خود کند، هرگز بهیروز نخواهد شد». (صحیح بخاری جلد 9 کتاب 88 شماره 219)

چند همسری و رابطه جنسی با کنیزان بدون محدودیت، حق طلاق که به مرد تعلق دارد، نفقه زن که به دست شوهر است، گواهی دادن دو زن که به اندازه یک مرد است و در بعضی موارد گواهی دادن زن پذیرفتنی نیست. زن به اندازه نصف مرد ارث می‌برد، خونبهای زن به اندازه نصف مرد است،

بلوغی عقلی دختر به 9 سالگی است و غیره. این ها نمونه‌های از مقام زن در اسلام اند. تمام این احکام ابدی اند و باید تطبیق شوند. این احکام چیزی برای ماله کشی نگذاشته است و واضح و آشکار است. اینکه به درد زمان نمی خورد، مسأله جدا است. البته داشتن کنیز و برده امروز جنایت علیه بشریت بشمار می آید. ازدواج به دختر خردسال غیر انسانی است و جنایت شمرده می شود

برای یک جامعه که در آن انسانی باید زیست، لازم نیست به متن کتاب‌های هزاران سال پیش مراجعه کرد، بلکه باید از دانش و تجربه کشورهای دیگر استفاد برد. زیرا همانگونه که برای رفتن به آمریکا نمی توانیم از خر و شتر استفاده کنیم، برای ساختن جامعه آزاد نمی‌توان از کتاب های مقدس بهره گرفت. این کتاب ها و احکام را باید به حوزه زندگی خصوصی انتقال داد. اما تا وقتی که بنیاد گرایان اسلامی قدرت دارند، این احکام تطبیق خواهد شد. تا وقتی که ماله کشان، ماله کشی کنند مردم از این احکام رهایی نخواهند یافت

<https://www.memri.org/tv/afghan-taliban-higher-education-minister-nadeem-wal-e-care-about-hijab-more-than-about-development-of-people>

Taliban
Education
Minister on
Hijab,
Women's
Education |
MEMRI